

مجازات تجاوز به عنف

29 شهریور 1401

تجاوز به عنف عمل جنسی است که بدون رضایت و با زور، تهدید یا اجبار همراه باشد. مجازات تجاوز به عنف اعدام است و با اقرار، شهادت شهود یا علم قاضی اثبات می‌شود.

تجاوز به عنف هم شامل «زنای به عنف» و هم «لواط به عنف» می‌شود. عنف در لغت به معنای خشونت و بی‌رحمی است. در زنای به عنف رضایت از زنان به‌طور کلی سلب شده و در پرونده‌های متشکله راجع به قتل عمدی وقتی موضوع زنا به عنف مطرح باشد، موضوع پرونده با شناخت خاصی مطرح و در دست رسیدگی قرار می‌گیرد.

در منابع فقهی برای تبیین مصادیق زنا به عنف از عناوینی چون «زنای اکراهی، غصب فرج و مُکابره» استفاده شده است. حدّ زنای به عنف، اعدام زناکار است؛ خواه محصن باشد یا غیرمحصن، این حکم مورد اجماع تمام فقهایی شیعه است، زیرا این فعل شنیع‌تر از عمل زنا با رضایت طرفین است و مجازات آن نیز قطعاً باید شدیدتر باشد.

مطابق بند «ت» ماده ۲۲۴ [قانون مجازات اسلامی](#) زنای به عنف یا اکراه از سوی زانی موجب اعدام زانی است. این در حالی است که وفق تبصره ۲ این ماده هر گاه کسی با زنی که راضی به زنای با او نباشد در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زنای به عنف است. در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است.

در باب پرداخت خسارات مادی این فعل شنیع، در ماده ۲۳۱ قانون مذکور اگر زن باکره باشد، زناکننده علاوه بر اعدام، به پرداخت ارش البکاره و مهرالمثل نیز محکوم می‌شود و در صورتی که باکره نباشد، فقط به اعدام و پرداخت مهرالمثل محکوم می‌شود. اگر زن در مقام دفاع از خود زانی را به قتل برساند، مطابق بند «ت» ماده ۳۰۲ قانون معنونه [قصاص](#) و دیه برعهده او نیست.

دکتر کبری درویش پیشه
مرکز مشاوره
حال خوب
ازدواج ، طلاق ، خانواده ، تحصیلی
قزوین ، خیابان شهید بابایی، مقابل دادگستری قزوین
۰۹۱۰۲۹۰۴۷۵۸
باتعین وقت قبلی ۰۲۸۳۳۶۷۲۷۵۰

زنا با چهار بار اقرار و شهادت چهار نفر نزد قاضي ثابت مي‌شود، اين درحالي است كه طرق مذکور برمبناي قواعد اثبات جرايم حدي سختگیرانه تلقي مي‌شود، اما در باب زنای به عنف رسیدگی به موضوع برمبناي اوضاع و احوال قضیه متفاوت و بر این اساس موجب حصول علم وفق ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامي خواهد شد، چراکه با ارتکاب زنا به عنف نظم عمومي به شدت تحت تاثیر قرار مي‌گیرد گو آنکه عموماً این فعل با جرایم دیگر همچون آدم‌ربايي و به شرح صدرالذکر قتل نیز مواجه مي‌شود. در حال حاضر وفق ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسي کيفري «انجام هرگونه تعقيب و تحقيق در جرایم منافي عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردي در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئي و منظر عام واقع شده یا دارای شاکي یا به عنف یا سازمان‌یافته باشد که در این صورت، تعقيب و تحقيق فقط در محدوده شکایت یا اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضايي انجام مي‌شود.» این در حالي است که رسیدگی به این موضوع به‌طور مستقیم در محاکم کيفري يك وفق بند «الف» ماده ۳۰۲ و ۳۰۶ قانون مذکور «به جرایم منافي عفت به‌طور مستقیم، در دادگاه صالح رسیدگی مي‌شود.» است. لازم به ذکر است که در بدو طرح موضوع در این محاکم عموماً ادعای زنا به عنف مطرح مي‌شود ولیکن نه تنها دلایل اثباتی این بزه وجود ندارد، بلکه شواهد برای به وجود آمدن علم قضات نیز وجود ندارد و در این شرایط بعضاً شاهد اثبات زنا مطاوعی هستیم. در این زنا رضایت برخلاف زنا به عنف حاکم است و در این شرایط بحث پرداخت ارش البکاره و مهرالمثل نیز منتفی خواهد بود، زیرا شواهدی دال بر رضایت ولو به جهات عاطفی وجود دارد که به محقق شدن اوضاع و احوال دیگر منجر به طرح شکایت برمبنای ایجاد يك سناریو مي‌شود، اما حقایق يك فریب احساسی بیان نمی‌شود، چراکه اگر هم بیان شود احساس به وجود آمده دلیل بر سلب اختیار تلقي نمی‌شود!

****نعیم رضا نظامی چهارمحالی/اعتماد 5308**